



وقتی اقوام ایرانی به سبک و سیاق و رسم و رسوم خودشان نوروز را جشن می‌گیرند

## بر زمستان صبر باید طالب نوروز را...

هم محلی

### ● نان سال و بی‌بی نوروز

سیستان و بلوچستانی‌ها بوی نوروز و عید را از باد پنجگه می‌فهمند. مردم و به ویژه ریش سفیدها از ۲۴ اسفند ماه تا ۲۷ و ۲۸ منتظر این باد می‌نشینند که آمدن و رفتنش هم یک روز بیشتر طول نمی‌کشد و مردم در روستاها و نواحی سنتی‌تر می‌گویند این باد با خودش خبر رسیدن بهار را می‌آورد و به شکل عجیب و غریبی با وزش باد پنجگه خوش حال می‌شوند. سفره هفت‌سین ما سیستان و بلوچستانی‌ها با شما متفاوت است. غیر از آن هفت تا سین که سر سفره می‌چینیم، یک نان سال هم می‌پزیم و اگر این نان در سفره نباشد اصلاً عید آن سال عید نیست. البته نان سال، نان عجیب و غریبی نیست. تقریباً مثل کلوچه است، اما بزرگ‌تر که داخل تنور پخته می‌شود و شبیه نان تافتون‌های سیستان و بلوچستانی است. سهم هر خانواده از نان سال فقط یک عدد است و در سفره موقع تحویل سال حتماً باید باشد. مردم ما معتقدند که زمان تحویل سال، بی‌بی نوروز به خانه‌ها سر می‌زند تا ببینند نان سال داخل سفره‌شان هست یا نه؟ بزرگ‌ترهایمان می‌گویند وقتی که این نان داخل سفره باشد، برای آن خانه و اهلیش تا یک سال برکت می‌آورد.

زهرا جهان تیغ/محلله لشکر

### ● بایرام پایی!

راستش ما آذری‌ها دخترهای شوهر کرده‌مان را طبق یک رسم دم‌عید خیلی تحویل می‌گیریم! سنتی داریم به اسم «بایرام پایی» که بسیار قدیمی است و من هفتاد ساله از زمانی که یادم می‌آید، خانواده‌های آذری آن را باید حتماً اجرا می‌کردند و یک جوهرایی سینه به سینه به ما رسیده است. ما از ۲۰ روز قبل شروع عید تا خود چهارشنبه‌سوری و یک وقت‌هایی دو سه روز بعد از آن، غذا می‌پزیم و می‌فرستیم خانه دخترمان که شوهر کرده است. این غذا را هم همه اعضای خانواده دختر باید بپزند. از من مادر گرفته، تا دایی و برادر و عموها و... البته بگذارید این را هم بگویم که این رسم مال دخترهای تازه ازدواج کرده نیست و تا زمانی که سایه پدر و مادرها بالای سرشان است، هر سال عید همین‌آش و همین کاسه است. این را هم باید بگویم که غذاها باید در ظرف مسی برود در خانه دختر. مادر هم هریار که قرار است غذا روانه خانه دختر شوهر کرده‌اش کنند، باید یک هدیه‌ای کنار ظرف‌های مسی بگذارد. ■

معصومه کاشف‌پور تبریزی/محلله شاهد

فردوسی بزرگ در شاهنامه می‌گوید: جمشید در حال گذشتن از آذربایجان بود که دستور می‌دهد برایش تختی قرار داده و خود با تاجی پر زرق و برق روی آن تخت بنشیند. بنابراین با تابش نور خورشید به آن تاج زرین و پر زرق دنیا نورانی می‌شود و به خاطر شادمانی مردم آن روز را نوروز نامیده‌اند. جشن نوروز مهم‌ترین مراسمی است که از

سالیان دور و از دوران باستان برای ایرانی‌ها به یادگار مانده است و مردم ایران از همان اولین باری که نوروز را خلق کرده‌اند، به سبک و سیاق خودشان آن را جشن می‌گیرند و اصلاً جالب‌ترین ویژگی نوروز همین است که در ایران به تعداد اقوامی که وجود دارد، رسم و رسوم و جشن‌های نوروز هست و هر قومی به سبک و سیاق و باورهای خودش روز نوروز را جشن می‌گیرد.

ما اینجا در منطقه ۱۰، یک جوهرایی ایران کوچک هستیم و در آخرین شماره سال ۹۹ هفته‌نامه‌مان، رفتیم سراغ روایت جشن‌های نوروزی در شهرهای مختلف. از مشهد خودمان گرفته تا آذربایجان و سیستان و بلوچستان.

۵۸  
کاملان

### ● نان و سبزی

سال تحویل‌ها رسم داشتیم برویم حرم امام رضا (ع). این روال هر ساله ما بود و فرقی نمی‌کرد که صبح باشد یا شب، ما هم باید همراه پدر می‌رفتیم. اما موقعی که از حرم برمی‌گشتیم خانه، یا باید سبزی می‌خریدیم و نان تازه. هر طور بود باید این یکی این دو قلم را پیدا می‌کردیم و می‌خریدیم و پا گذاشتن در خانه بدون این دو اصلاً امکان‌پذیر نبود. مشهدی‌های قدیم می‌گفتند که وقتی سال نو با نان و سبزی تازه بیاییم خانه، آن سال، سالی پربرکت است. وارد شدن به خانه در روز اول فرودین و بعد از بازگشت از حرم هم رسم خودش را داشت. اول از همه باید نان آور خانه که معمولاً پدرمان بود، وارد اتاق می‌شد و هیچ کدام از ما حق نداشتیم که جلوتر از ایشان برویم داخل. البته بهتر است بگویم جرأت نداشتیم. چون مشهدی‌ها این کار را فوق‌العاده زشت و بدشگون می‌دانند. بعد از پدر یا همان نان آور خانه، نوبت جوان‌ترها که ما بودیم می‌شد و ما هم نان و سبزی به دست می‌رفتیم داخل خانه و عید مبارکی می‌کردیم.

غلامحسن رضایی/محلله حجاب

مشهدی‌های قدیم می‌گفتند که وقتی سال نو با نان و سبزی تازه بیاییم خانه، آن سال، سالی پربرکت است

